



نمود و تلویحات ایدئولوژیک آن در ترجمه با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی^۱

نسرين عبدی^۱، فرزانه فرحزاد^۲، گلرخ سعیدنیا^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

چکیده

بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درباره ترجمه، از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بهره می‌گیرند که تولیدات و تفسیرهای گفتمانی را با ایدئولوژی حاکم بر جامعه مرتبط می‌داند. آنچه در نگاه نخست اشتباه ترجمه شده (حذف، اضافه، جابه‌جاشده و به طور کلی ساخت‌شکنی شده) در واقع ساختار، فرآیندها، هنجارها و محدودیت‌های اجتماعی سیاسی مشخصی را برجسته می‌کند که ترجمه‌ها تحت آن‌ها تولید و دریافت می‌شوند. بنابراین نقد ترجمه به آشکار کردن و نقد رفتارها و روابط اجتماعی سیاسی کمک می‌کند (Schaffner, 2004, p.124). این برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها سازوکار مشترک حاکم بر کردارها و رفتارهای گفتمان سیاسی است که در سطح جمله و بالاتر از آن عمل می‌کند و شیوه‌ای است برای حفظ و استمرار قدرت (Soltani, 2004, p. 171). هدف پژوهش، بررسی تغییرات نمود در ترجمه و امکان تلویحات ایدئولوژیکی فرآورده این تغییرات از سوی مترجم است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و اسنادی و نقد مقابله‌ای بوده و با الگوگیری از مدل سه‌وجهی فرحزاد (Farahzad, 2012) که ترکیبی از تحلیل گفتمان انتقادی، راهکارهای ترجمه‌ای و بینامتنیت در سطح

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JLR.2021.33891.1959

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

n-abdi@farabi.tums.ac.ir

^۳ استاد گروه مترجمی، هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛ farahzade@atu.ac.ir

^۴ دکتری تخصصی زبان‌شناسی، پژوهشگر آزاد، تهران، ایران؛ saeednia_g@yahoo.com

متنی انجام شده است. در این پژوهش هر جمله زبان پیشین با معادل آن در زبان پسین یک به یک به لحاظ نمود مقایسه شدند. در بررسی نمود از زندگینامه سه چهره سرشناس سیاسی (اوباما، کلینتون و بوتو) استفاده شد که هر کدام از منظر قدرت حاکم بر جامعه ایران جایگاه اجتماعی-سیاسی خاصی دارند. بررسی سابقه سیاسی در خصوص برخی از این چهره‌ها حاکی از موضع‌گیری‌های دولت ایران بر علیه ایشان و تأثیر این موضع‌گیری‌ها در بازنمایی رویدادها و نمایش ایدئولوژیکی آن در جامعه بوده که تأثیرات آن بر ترجمه غیر قابل انکار می‌نماید. به اعتقاد نگارنده تلویحات ایدئولوژیکی حاصل از زمان نمود در این آثار ترجمه شده در تلاش برای نشان دادن چهره خاصی از فرد است.

واژه‌های کلیدی: تغییر نمود، نقد ترجمه، تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی، قدرت

۱. مقدمه

نقش و اهمیت زبان‌شناسی و پژوهش‌های مربوط به آن همواره در طول زندگی بشر آشکار بوده است، این مطالعات علوم وسیعی را مورد بررسی و چالش قرار داده و زبان‌شناسی به عنوان یک علم، به ویژه در علوم انسانی و ترجمه اهمیت بسیاری داشته است. از سویی به گفته پرز (Calzada-Pérez, 2003, p. 14) عمر ترجمه به کهولت سن بشر است. ترجمه، همچنین از دیدگاه علوم دیگری همچون فلسفه، علوم اجتماعی و ادبیات مورد توجه بوده است، چرا که همواره به نظر می‌رسد عملکرد ترجمه غیر از زبان، حوزه‌های دیگری را نیز درگیر می‌کند. مترجم همواره در نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و موارد مشابه ایفاگر نقش بوده است. این پژوهش، نیز با تکیه بر رویکرد تحلیل گفتمان و به طور ویژه تحلیل گفتمان انتقادی به ارتباط زبان‌شناسی با رشته‌های وابسته‌ای همچون ترجمه می‌پردازد. تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در تحلیل متون ترجمه شده است که از جنبه نظری و روش‌شناختی از مرز توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر می‌رود و در پی آن است که فرآیندهای ایدئولوژیک مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان در ترجمه، مناسبات زبان با قدرت^۱ و روابط سلطه و هژمونی^۲، پیش فرض‌های گفتمانی حامل بار

^۱ به باور فرکلاف (Fairclough, 2000, p. 61) قدرت از یک سو دارای عملکرد است و این کنش، در گفتمان تجلی می‌یابد و از سویی دیگر، روابطی از قدرت در پس پرده گفتمان پنهان است. در هر دو حالت، قدرت در مبارزات اجتماعی پیروز می‌شود؛ در خصوص نقش قدرت در گفتمان باید به این نکته توجه کرد که گفتمان به مثابه میدانی است از مبارزات قدرت.

^۲ هژمونی (hégémonie) به معنای فرادستی، سلطه‌گری و سلطه، مفهومی است برای توصیف و توضیح نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر، چنان که گروه مسلط «فرادست» درجای از رضایت گروه تحت سلطه «فروست» را به دست می‌آورد و با «تسلط داشتن به دلیل زور صرف» تفاوت دارد.

ایدئولوژیک و نابرابری‌های گفتمانی را در کانون توجه خود قرار دهد (Widdowson, 2004, p.134).

۱.۱. بیان مسأله

با توجه به نقش ترجمه و رابطه آن با تحلیل گفتمان، در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به بررسی این نقش شده‌است و مدل‌های متفاوت نقد ترجمه بر این پایه طرح‌ریزی شده‌اند. در رویکردهای جدید به ترجمه، متن صرفاً یک فرآورده زبانی و محدود به معنا نیست، بلکه یک رویداد اجتماعی است و ترجمه نیز تنها ابزار انتقال معنای زبان‌شناختی از یک زبان به زبان دیگر نیست، بلکه با معانی و تلویحات اجتماعی سر و کار دارد و برخلاف دیدگاه‌های سنتی که در نقد ترجمه به مسائلی همچون ترجمه نادرست و نارسایی‌ها در معادل‌گزینی می‌پرداختند، در این رویکرد به سیاست‌های ترجمه همچون طبقه‌های اجتماعی، قدرت، جنسیت، تبعیض، ایدئولوژی و بافت اجتماعی توجه می‌شود. این دیدگاه برگرفته از اندیشه‌های ونوتی است که در آن ترجمه به مثابه فعالیتی سیاسی است و به دنبال تحمیل قدرت از جامعه انگلیسی زبان بر دیگر جوامع است. از این رو، این رویکرد انتقادی با تأکید بر جهت‌دار بودن جریان ترجمه در عصر حاضر، ضمن تأکید بر حفظ جایگاه زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر، در پی به چالش کشیدن هژمونی زبان انگلیسی از دیدگاه ترجمه است. از این رو، مطالعات ترجمه پسااستعماری در این بین از اهمیت بسزایی برخوردارند (Aghagolzadeh, 2013, p. 94). یکی از مقولاتی که تحلیل گفتمان انتقادی به کمک آن به این چالش یاری می‌رساند، بررسی ایدئولوژی در متن است. در این پژوهش با تکیه بر تحلیل گفتمان انتقادی و با بهره‌گیری از مدل نقد ترجمه فرحزاد (Farahzad, 2012)، منظری دیگر از مباحث نحوی یعنی مقوله نمود^۱ از حیث تأثیرات ایدئولوژیک مورد بررسی قرار گرفت. هدف پژوهش، بررسی تغییرات نمود در ترجمه و امکان تلویحات ایدئولوژیک برآمده از این تغییرات از سوی مترجم است.

۱.۲. مبانی نظری پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی در پی یافتن ردها و تأثیرات قدرت در زبان، گفتمان، متن و نحو است (Hodge & kress, 1993, p.153). به باور فرکلایف (Fairclough, 2000, p. 7) گفتمان را می‌توان کاربرد زبان در کارکرد اجتماعی تعریف نمود. از سویی، به باور پرز (Calzada-Pérez,)

¹ aspect

2003) «همهٔ زبان‌ها از ایدئولوژی استفاده می‌کنند» (Calzada-Pérez, 2003, p. 4) و از آن جایی که ترجمه یک پدیدهٔ زبانی و اجتماعی به شمار می‌آید، بر محمل کاربرد زبان جای می‌گیرد و می‌تواند تجلی برخوردارهای ایدئولوژیک باشد. تحلیل گفتمان انتقادی را زبان‌شناسانی همچون فرکلاف، ون‌دایک و ووداک بنیانگذاری کردند و به کوشش متفکرانی چون میشل فوکو^۱ و ژاک دریدا^۲ و دیگر متفکران برجستهٔ غرب وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت.

مفهوم گفتمان، امروزه به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی، و سیاسی-ارتباطی غرب درآمده و با مفاهیمی همچون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژادپرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و موارد مشابه درآمیخته است. پیش از پرداختن به بحث اصلی در این پژوهش، نگارنده بیان برخی نکته‌های کلیدی در شرح مباحث مهمی همچون ایدئولوژی و قدرت را از جنبهٔ ایفای نقش مهم این دو اصطلاح در مباحث‌های مربوط به تحلیل گفتمان انتقادی بسیار بااهمیت می‌داند.

۲. مفهوم ایدئولوژی و قدرت در تحلیل گفتمان انتقادی

۲.۱. ایدئولوژی

ایدئولوژی معانی و تعبیرهای مختلفی دارد که مهم‌ترین آن تحریف و سلطهٔ سیاسی است، ولی در مطالعات زبانی و ترجمه، این واژه، معنای گسترده‌تری به دست آورده و فقط محدود به حوزهٔ سیاسی نیست. ایدئولوژی به شیوه‌های تفکر، ارزش‌گذاری و رفتارهایی مربوط می‌شود که در جامعه ترویج می‌شوند، بر آن حاکم می‌شوند و به صورت عرف در می‌آیند. ایدئولوژی به تمامی مفاهیم و بافتارهای درهم تنیده‌ای گفته می‌شود که به نوعی به مرکزیت، برداشت یا دیدگاهی کمک می‌کنند و نظریه‌ها و دیدگاه‌های دیگر را به حاشیه می‌رانند و امکان طرح آن‌ها را ضعیف می‌کنند یا از بین می‌برند. در این نگاه، ترجمه هم که با زبان مرتبط است، تحت تأثیر ایدئولوژی قرار می‌گیرد و مترجم هم، عاملی می‌شود برای بازنمایی و شکل دادن به ایدئولوژی‌ها.

تحلیل گفتمان انتقادی، در تلاش است جنبه‌های پنهان گفتمان را که نقش مهمی در شکل‌گیری ایدئولوژی و تغییر واقعیت‌های اجتماعی دارد آشکار سازد و به عنوان یک ابزار کارآمد به تعیین ایدئولوژی‌های عمده در متن بپردازد. بررسی انتقادی تغییرات ایدئولوژیک در مفاهیم متن مبدأ و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک به دست آمده در ترجمه می‌تواند نشانگر

¹ M. Foucault

² J. Derrida

استراتژی‌های عمدی یا غیرعمدی مترجم به سوی تغییر متن اصلی باشد که آشکارا بر تغییر و تعبیر متن اصلی تأثیر گذارند (Calzada-Pérez, 2003). از سویی، ایدئولوژی در متن ترجمه را می‌توان از طریق تحلیل معایب ترجمه و زیاده‌گویی و تکرار در متن ترجمه شده تشخیص داد و به این توجه کرد که آیا این موارد فرآورده دیدگاه ایدئولوژیک مترجم بوده‌است یا خیر. بر پایه دیدگاه شفنر (Schaffner, 2004, p.142) آن‌چه «ترجمه بد» یا «معیوب» به نظر می‌آید، از دیدگاه زبان‌شناسی در واقع آشکارکننده ساختار اجتماعی، سیاسی یا ایدئولوژیک و همچنین فرایندها، هنجارها و محدودیت‌هایی است که در آن چارچوب ترجمه شکل می‌گیرد. شفنر می‌نویسد «همگی ترجمه‌ها ایدئولوژیک هستند زیرا انتخاب متن مبدأ و کاربردی که به تبع آن متن مقصد حاصل می‌کند از طریق علائق، اهداف و مقاصد عوامل اجتماعی کسب می‌شود.» (Schaffner, 2004, p. 78, 82, 142 & 23).

۲.۲. قدرت

به باور فرکلاف (Fairclough, 2000, p. 61) قدرت از یک سو دارای عملکرد است و این کنش، در گفتمان تجلی می‌یابد و از سویی دیگر، روابطی از قدرت در پس پرده گفتمان پنهان است. در هر دو حالت، قدرت در مبارزات اجتماعی پیروز می‌شود؛ قدرت در گفتمان به مثابه میدانی است از مبارزات قدرت. از دیدگاه وندایک (van Dijk, 1993) در دنیای نوین، قدرت مؤثر، قدرت شناختی است؛ یعنی قدرتی که به واسطه کنترل بر ذهن‌های افراد و گروه‌های اجتماعی اعمال می‌شود. افراد این شکل از قدرت را با شیوه‌های ترغیب، تظاهر و دیگر راهبردها اجرا می‌کنند؛ صاحبان قدرت اذهان گروه‌های اجتماعی را تحت سلطه خود می‌گیرند. بنابراین آنچه وندایک (همان) به آن اشاره می‌نماید، بخش عظیمی از قدرت، جنبه سرکوب‌گرایانه ندارد، بلکه در پس پرده گفتمان، اذهان، اعمال، نیات و مقاصد را کنترل می‌کند.

۳. مدل نقد فرحزاد

یکی از مدل‌های نقد ترجمه که با تکیه بر آرای تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه‌های مهم در مطالعات ترجمه مطرح شد مدل نقد ترجمه فرحزاد (Farahzad, 2012) است که در ادامه بحث‌های فرحزاد از مدل (Farahzad, 2004) وی در باب نقد بر ترجمه مطرح شد. آن‌چه در این مدل بیان می‌شود، صرفاً تکیه بر درستی عملکرد مترجم در ارائه یک ترجمه درست از متن اصلی نیست، بلکه آن‌چه از منظر فرحزاد مورد توجه قرار داشته، تأثیرات ایدئولوژیک و چگونگی بازتولید آن در متون ترجمه شده‌است که می‌تواند به پژوهشگران زبان‌شناسی، گفتمان و مترجمان

در راستای تحلیل متون کمک شایانی نماید.

مدل فرحزاد در یک مثلث سه‌وجهی، تحلیل انتقادی گفتمان، انتخاب‌های ترجمه‌ای مترجم و محیط ارتباطی (بینامتنیت)^۱ بین متن پیشین و پسین را در مطالعات ترجمه و مهم‌تر از آن در نقد ترجمه به کار گرفته‌است. از دیدگاه فرحزاد، نقد ترجمه به جای پرداختن به چرایی ترجمه به این می‌پردازد که ترجمه چه می‌کند و چه کارکردی در جامعه دارد. در انتخاب‌های ترجمه‌ای، فرحزاد سه سطح متنی، پیرامنتی و نشانه‌ای را که فرآورده کارکرد ترجمه از منظر موضع و ایدئولوژی در جامعه مقصد هستند نمایش می‌دهد. در این مدل نشانه‌های متنی و انتخاب‌های ترجمه‌ای به موضع‌گیری‌های ایدئولوژیک مرتبط می‌شوند و با در نظر گرفتن متن ترجمه به عنوان یک رویداد اجتماعی بر این باور است که متن ترجمه به صورت یک ابزار ارتباطی در جامعه مقصد عمل می‌کند و محل برخورد دو نظام زبانی و اجتماعی است.

منتقد در این مدل با اشتباه و درست بودن ترجمه سر و کاری ندارد، بلکه بیشتر به این توجه دارد که هر انتخاب واژگانی و نحوی چه تأثیری بر خواننده، جامعه یا جوامع مقصد دارد. با توجه به این دیدگاه جدید در نقد ترجمه، به این توجه می‌شود که بازنمایی متن مبدأ در مقصد چه تأثیراتی را بر آن زبان اعمال می‌نماید و فرهنگ و هویت‌های مبدأ چگونه بازنمایی می‌شوند و چه ایدئولوژی‌هایی را با خود حمل می‌کنند.

فرحزاد با تکیه بر مفهوم جدید برگرفته از زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی و تحلیل گفتمان انتقادی که در آن متن صرفاً یک فرآورده زبانی نیست و به یک رویداد اجتماعی تبدیل شده‌است، ترجمه را نیز یک رویداد اجتماعی می‌انگارد که هم ابزار ارتباط جامعه مبدأ و مقصد است و هم در جامعه مقصد به صورت ابزاری ارتباطی عمل می‌کند. بنابراین متن ترجمه محل برخورد دو نظام زبانی و دو نظام اجتماعی است. با چنین دیدی به ترجمه، رابطه بین دو متن مبدأ و مقصد نیز دیگر در چهارچوب معادل قرار نمی‌گیرد زیرا هیچ دو جامعه‌ای همانند یک‌دیگر و به بیانی معادل یک‌دیگر نیستند. بنابراین فرحزاد با پیروی از باختین^۲ و کریستوا^۳ دیدگاه بینامتنیت را در نظریه خود عنوان می‌کند.

در زیر، به برخی واژه‌ها و اصطلاح‌های مهمی می‌پردازیم که چهارچوب این مدل را می‌سازند:

الف) تحلیل گفتمان انتقادی

با توجه به دیدگاه فرحزاد نقد به چهارچوب نظری نیاز دارد تا بتواند از بن‌بست قضاوت‌های

^۱ intertextuality

^۲ M. Bakhtin

^۳ J. Kristeva

شخصی و غیرشخصی و غیر قابل دفاع رها شود و بهترین چهارچوب نظری که می‌توان برای نقد ترجمه در نظر گرفت، تحلیل گفتمان انتقادی است. به باور وی، فقط تحلیل گفتمان انتقادی است که می‌تواند «نقد» را از «کیفیت» جدا کند.

ب) بینامتنیت

فرحزاد (Farahzad, 2004; Farahzad, 2012) رابطه بین متن پیشین (مبدأ) و پسین (مقصد) را رابطه‌ای بینامتنی دانسته‌است. بر پایه این دیدگاه، همه متن‌هایی که به یک ژانر یکسان تعلق دارند، مؤلفه‌های زبانی و ساختاری مشترک خواهند داشت. متن‌ها به هم ارجاع می‌دهند یا از هم نقل می‌کنند، این نقل قول‌ها و ارجاعات چه آشکار چه غیر آشکار موجب تکرار مفاهیم و سازه‌های صوری، معنایی، مضمونی و ساختاری می‌شوند که به این رابطه بینامتنیت می‌گوییم. بنابراین، بخشی از ترجمه تکراری است و بخش دیگر خلق اثری نوین از سوی مترجم است.

پ) انتخاب‌های ترجمه‌ای

سومین وجه مثلث در مدل فرحزاد به انتخاب‌های ترجمه‌ای اختصاص می‌یابد. مترجم می‌تواند در سه سطح متنی^۱، پیرامنتی^۲ و نشانه‌ای^۳ انتخاب‌هایی داشته باشد. انتخاب‌های واژگانی و نحوی مترجم با توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی جامعه مبدأ و مقصد اساس نقد را می‌سازد. در نقد به این توجه می‌شود که مترجم چه انتخاب کرده‌است، چه ساختارهای دستوری و واژگانی و نکته‌های دستوری را به کار برده و به کمک آن چه مفاهیمی را بیان کرده و چه مواردی را بیان نکرده‌است. بنابراین نقد صرفاً با این نمی‌پردازد که آیا مترجم، «متن» را درست ترجمه کرده یا خیر، بلکه این است که وقتی واژه‌ای یا ساختاری را به جای واژه یا ساختار اصلی قرار می‌دهد، این معنی از نظر تحلیل گفتمان بر می‌تابد که مترجم یک ساختار نحوی را به ساختار نحوی دیگر ترجیح داده‌است و با این کار ممکن است نتیجه‌ای در جامعه به وجود بیاورد و تلویحی را نمایش دهد. بنابراین، چنین انتخاب‌هایی در دو سطح خرد و کلان بررسی می‌شود. در سطح خرد، انتخاب‌های واژگانی و نحوی و در سطح کلان، انتخاب‌ها و قضاوت‌های مترجم و استراتژی‌ها و سطوح فرامتنی و نشانه‌ای بررسی می‌شوند.

¹ textual

² paratextual

³ semiotic

۴. نمود^۱ و پیشینه پژوهش‌ها

از میان مقوله‌های گوناگونی که بر فعل اعمال می‌شود (مانند زمان، شخص، شمار، وجه، نمود، و موارد مشابه) به مقوله نمود کمتر پرداخته شده است. شاید دلیل این امر آمیزش بیش از اندازه این مقوله با زمان است که حتی تا چند دهه پیش به وجود آن اشاره نشده بود.

از آن جایی که مطالعه تنوعات زبانی در اوایل دهه ۱۹۷۰، حتی بیش از مبحث‌های مربوط به واج‌شناسی مورد توجه بود (Sankoff, 1973)، بررسی تنوعات و گونه‌های دستوری، از جمله نمود گسترش بسیاری یافت، و در این دوران پژوهش‌های فراوانی در ارتباط با آن انجام گرفت (Comrie, 1985; Dahl, 1985; Smith, 1997). نمود از جنبه‌هایی با زمان ارتباط دارد. نمود بر ساختمان موقتی و درونی یک رویداد یا موقعیت تمرکز می‌کند (Comrie, 1976, p. 3; Smith, 1997, p. 97). بینیک (Binnick, 1991, p. 170) نمود را مشخصه اجباری و کاملاً دستوری شده زبان تعریف می‌کند، ولی تمایزات نمود در عمل ممکن است به هیچ عنوان یا حداقل کاملاً دستوری شده نباشند. به باور کومری (Comrie, 1976, p. 18)، داهل (Dahel, 1985, p. 26) و اسمیت (Smith, 1997, p. 14)، نمود ممکن است به شیوه‌های مختلف یعنی با استفاده از ساختارهای صرفی (تصریف یا اشتقاق)، ساختارهای واژنحوی، واژگانی و یا از طریق محدودیت‌های انتخابی بر ترکیبات واژی و دستوری نمایان شود. بنابراین، نمود یک اصطلاح پوششی است که ممکن است به تمایزات معنایی یا دستوری اشاره کند.

نمود بر روند انجام فعل دلالت دارد، به بیان دیگر، اطلاعات مربوط به کامل شدن، استمرار و تداوم فعل و مانند آن‌ها بر عهده نمود است. پس، تفاوت دو فعل که هر دو در گذشته انجام شده ولی چگونگی انجام آن‌ها متفاوت بوده در نوع نمودشان است. بر پایه دیدگاه گلفام (Golfam, 2014, p. 71)، نمود یکی از مقوله‌های دستوری است که در ساختار فعل بازنمایی می‌شود. نمود یک فعل در واقع بازتاب میزان تداوم رخداد فعل بر محور زمان است.

مقوله نمود، به عنوان یکی از ویژگی‌های فعل، روند انجام آن را از جنبه استمرار، تکرار، تداوم، و موارد مشابه نشان می‌دهد، این مقوله مانند بسیاری از مفاهیم دستوری دیگر، هم به وسیله تکواژهای دستوری و هم به صورت معنایی بیان می‌گردد. این پژوهش، با تکیه بر دیدگاه گلفام (Golfam, 2014) و کومری (Comrie, 1985, p. 3) بر نمود، اغلب از جنبه دستوری توجه بیشتری کرده است.

¹ aspect

۴. ۱. انواع نمود

نمود اغلب از طریق نشانگرهای تصریفی در ساختمان فعل کدگذاری می‌گردد (برای نمونه، در زبان انگلیسی پسوندهای /-ing/ و /-ed/ مسئول نمایش نمود هستند، یا در زبان فارسی پیشوندی همچون «می» نشان‌دهنده استمرار در فعل است که فعل را تصریف کرده و عنصری قابل دسترسی است). ولی این امکان نیز وجود دارد که نمود به صورت مشخصه‌ای معنایی و ذاتی در فعل وجود داشته باشد و آشکارا نمود دستوری فعل را تصریف نکند. نمود، در سه طبقه اصلی قرار می‌گیرد: نمود کامل^۱، نمود ناقص^۲ و نمود ترکیبی که ترکیبی از نمود کامل و ناقص است. نمود عاداتی نیز اغلب مربوط به افعال معین است که حالتی را نشان می‌دهد.

۴. ۱. ۱. نمود کامل

کومری (Comrie, 1985) در مورد نمود کامل می‌نویسد: «نمود کامل موقعیتی را از دیدگاه بیرونی توصیف می‌کند که عمل در آن تکمیل شده است. هنگامی که فعل به صورت تمام و کمال تحقق یابد و به پایان برسد، دارای نمود کامل خواهد بود. در نمود کامل، فعل، عمل یا وضعیت مورد نظر به صورت کامل مورد توجه قرار دارد، یعنی شکل فعل موجب می‌شود تا در ذهن گوینده و شنونده، عمل یا وضعیت مورد اشاره به صورت یک کل واحد و محصور در محدوده روانی خاصی متصور گردد» (Comrie, 1985, p.18).

نمود کامل به دو دسته نمود تکمیلی^۳ (در زمان دستوری گذشته ساده و ماضی بعید) و نمود نتیجه‌ای^۴ (در زمان دستوری ماضی نقلی و ماضی نقلی بعید) دسته‌بندی می‌شود (Comrie, 1985, p. 18). نمود تکمیلی، اشاره به انجام عملی است که تمام شده و تکمیل شده است. نمود نتیجه‌ای، نشان‌دهنده عملی است که انجام شده و یا در حال انجام است و نتیجه‌ای را به بار می‌آورد و بین حالت فعل و موقعیت قبلی رابطه برقرار می‌کند.

1. He ate an apple. (نمود تکمیلی)

2. He has built the house. (نمود نتیجه‌ای)

۴. ۱. ۲. نمود ناقص

نمود ناقص از نظر درونی، موقعیتی را نمایش می‌دهد که در حال وقوع^۵ (استمرار^۱) است یا دارای

¹ perfective

² imperfective

³ completive

⁴ resultative

⁵ ongoing

دیرش^۲ (تداوم)^۳ باشد. در نمود ناقص، تحقق فعل فرآیندی ممتد و نامقید است و در محور زمان گستره‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. نمود ناقص نشان‌دهنده پویایی و دوام فعل در مقطعی از زمان است. روی هم رفته اگر فعل به عنوان یک فرآیند در حال انجام و بدون نقطه پایانی باشد، دارای نمود ناقص خواهد بود. نمود ناقص شامل نمودهای استمراری، عاداتی و تکرار است (Comrie, 1985, p. 24).

در مقایسه بین نمود کامل و ناقص می‌توان گفت که در نمود کامل، رخداد فعل از جنبه زمانی مقید است - به بیان دیگر در نمود کامل تحقق فعل کامل است، اما در نمود ناقص تحقق فعل فرآیندی ممتد و نامقید است و در محور زمان گستره‌ای را به خود اختصاص می‌دهد؛ برای نمونه، دو جمله زیر را مقایسه می‌کنیم:

۳. علی پرویز را زد. (نمود کامل: مقطعی از زمان گذشته انتخاب می‌شود و رخداد فعل به آن مقطع خاص محدود می‌گردد).

۴. علی پرویز را می‌زد. (نمود ناقص: رخداد فعل فرآیندی است که از مقطع گذشته به سوی زمان حال امتداد می‌یابد).

در زبان فارسی، برای بازنمایی نمود تداومی افزون بر پیشوند «می-» که به ریشه گذشته فعل افزوده می‌شود، از صورت‌های مختلف «داشتن» به عنوان یک نشانگر واژ-نحوی نیز بهره گرفته می‌شود. پیشوند تصریفی «می-» در زبان فارسی در نمودهای عاداتی و تکراری قابل حذف نیست. فعل‌های نشان‌دهنده نمود نقلی همیشه در زمان گذشته به کار می‌روند. نمود کامل نیز متفاوت از نمود نقلی است؛ نمود کامل نشانه تصریفی خاصی ندارد و این نمود با زمان‌های گذشته ساده، ماضی نقلی و بعید به کار می‌رود:

۵. داشتم می‌رفتم.

۶. داشت می‌رفت.

در زبان انگلیسی نیز نمود ناقص فعل با استفاده از ابزار واژ-نحوی محقق می‌شود:

7. Ali was studying. (نمود ناقص: استمراری)

بر پایه دسته‌بندی کومری (Comrie, 1985, p. 25) نمود ناقص را می‌توان به نمود عاداتی و

تداومی گروه‌بندی کرد:

¹ progressive

² enduring

³ continuous

الف) نمود ناقص عادی^۱:

8. John used to smoke here.

در زبان انگلیسی، صورت ساده دیگری همچون جمله زیر وجود دارد که ممکن است نمود عادی داشته باشد، تنها حالتی که امکان وجود معنای استمراری در آن امکان‌پذیر نیست:

9. John worked here.

در زبان فارسی نیز زمان دستوری مضارع اخباری اگر نشان‌دهنده یک حالت باشد، در پیوند با یک عادت است:

-او عاشق پدرش است. (عادی غیراستمراری)

در زبان انگلیسی این امکان وجود دارد که نمود عادی «used to» با نمود استمراری ترکیب شود و صورت «used to be writing» را مثلاً برای فعل «write» ایجاد کند، بنابراین وجود هر دو نمود عادی و استمراری در کنار هم امکان‌پذیر است:

10. John used to be writing poems.

ب) نمود ناقص تداومی^۲

نمود تداومی، نوع دیگری از نمود ناقص، در زبان فارسی و انگلیسی است. نمود تداومی، در زمان‌های دستوری مضارع اخباری (حال ساده)، حال استمراری، حال مستمر (در جریان)، گذشته استمراری و ماضی مستمر (در جریان) دیده می‌شود.

پ) نمود ترکیبی

در بیشتر زبان‌هایی که نمود کامل و ناقص دارند، امکان ترکیب این نمودها با یکدیگر هم وجود دارد (Comrie, 1985, p. 6). در زبان فارسی دو نمود ترکیبی وجود دارند که در دو زمان دستوری ماضی نقلی استمراری و ماضی نقلی مستمر (در جریان) به کار می‌روند.

۴.۲. رابطه نمود و زمان دستوری

در دستور زبان‌های سنتی، همان‌گونه که تمایز بین زمان دستوری و زمان تقویمی روشن نیست، نمود نیز معمولاً مرز روشنی با زمان دستوری ندارد. گلفام (2014, Golfam) در تعریف زمان دستوری به این اصل اشاره دارد که وجود زمان دستوری به منزله بازتاب تمهیداتی است که زبان برای دستوری کردن مفهوم زمان به کار می‌گیرد. «به عبارت دیگر زمان دستوری ارتباط بین دو

¹ habitual aspect

² progressive aspect

رخداد را در گذر زمان متجلی می‌سازد. بر این اساس اگر یک رخداد در زمان «الف» و رخداد دیگر در زمان «ب» به وقوع پیوندد، از زمان دستوری برای نشان دادن اینکه رخداد زمان «الف» قبل از رخداد زمان «ب» اتفاق افتاده یا پس از آن، یا اینکه وقوع هم‌زمان داشته‌اند، استفاده می‌شود» (Golfam, 2014, p. 71-72).

نمود، بدون ارتباط با زمان^۱ امکان‌پذیر نیست، هم نمود و هم زمان دستوری با زمان در ارتباط اند، اما نوع ارتباطشان متفاوت است. زمان دستوری یک مقوله‌ی اشاره‌ای^۲ است، یعنی موقعیت‌ها را در زمان (معمولاً زمان حال) تعیین می‌کند؛ ولی نمود در پی آن نیست که زمان یک موقعیت را به یک نقطه زمانی دیگر مرتبط سازد، مگر آنکه بخواهد با ساختار موقتی و درونی یک موقعیت متصل شود؛ بنابراین می‌توان موقعیتی^۳ را شامل شود (Comrie, 1985, p. 6).

۵. دیدگاه نظام حاکم نسبت به نویسندگان پیکره پژوهش

از آن جایی که ممکن است دیدگاه مترجمان در ترجمه تحت تأثیر نظام و قدرت حاکم بر ایران قرار گیرد، در ابتدا موضع سیاسی وب‌گاه‌ها و روزنامه‌های وابسته به حکومت ایران که به نوعی نشان‌دهنده دیدگاه حکومت ایران است، مطالعه و در زیر‌گردآوری شد. در بررسی‌ها، به نظر می‌رسد موضع‌گیری وب‌گاه‌های خبری نسبت به برخی از این نویسندگان مثبت‌تر از بقیه است.

۵. ۱. بی‌نظیر بوتو

وی اولین زن مسلمان در تاریخ جهان اسلام بود که در یک کشور اسلامی به مقام نخست‌وزیری رسید و در دسامبر ۲۰۰۷ میلادی در پاکستان ترور شد و به قتل رسید. مادر بی‌نظیر بوتو، نصرت بوتو یا نصرت اصفهانی، از کردهای ایرانی و شیعه مذهب بود. دولت ایران نیز پس از مرگ ژنرال ضیاءالحق و به دنبال آن نخست‌وزیری بی‌نظیر بوتو دگرگونی‌های جدیدی در روابط سیاسی دو کشور به وجود آورد و همکاری با پاکستان به عنوان یک کشور اسلامی غیر عرب برتری یافت و دولت مردان ایران خواستار همکاری بیشتر با نخست‌وزیر نیمه‌ایرانی پاکستان یعنی بی‌نظیر بوتو شدند.^۴

¹ time

² deictic

³ situation-external time

^۴ برگرفته از وب‌گاه دیپلماسی ایرانی: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/>

۵. ۲. باراک اوباما

ایران و آمریکا بیش از سی سال است که رابطه دیپلماتیک ندارند. در آوریل سال ۱۹۸۰ و حدود شش ماه پس از ماجرای گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران، دولت ایالات متحده رسماً روابط سیاسی خود را با جمهوری اسلامی قطع کرد و از آوریل سال ۱۹۸۱ و در پی مذاکرات منجر به امضای توافق‌نامه الجزیره، مناسبات رسمی دیپلماتیک دو کشور فقط از طریق حافظان منافع آن‌ها برقرار بوده‌است. قاسمی (Ghasemi, 2008, p.123, 149) کارشناس علوم سیاسی در خصوص رابطه ایران و آمریکا بر این باور است: «بعد از انقلاب اسلامی ایران، آمریکا تاکنون سه رویکرد را در مقابله با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌است: قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند. پس از پیروزی، اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با شعار «تغییر»، واژه «قدرت هوشمند» را به عنوان سیاست جدید کاخ سفید مطرح کرد که اولین بار توسط هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه‌اش، در کنگره بیان شد و امروز به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در برابر ایران به شمار می‌آید». بنابراین می‌توان مشاهده نمود که دیدگاه نظام حاکم ایران نیز نسبت به سیاست‌های اوباما همچون دیگر رئیس‌جمهورهای پیشین آن کشور ثابت مانده که این می‌تواند سبب تأثیرات مهمی بر مواضع ایدئولوژیک اتخاذ شده از سوی مترجم شود.

۵. ۳. هیلاری کلینتون

وی سیاست‌مدار آمریکایی و نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در آمریکا بود که در مقابل رقیب جمهوری‌خواه خود، دونالد ترامپ شکست خورد. او نخستین نامزد زنی است که توانسته به چنین جایگاهی در یکی از احزاب اصلی آمریکا برسد. هیلاری کلینتون از حکومت ایران به عنوان حکومت «حامی تروریسم و عامل بی‌ثباتی منطقه» نام برد که دولت بعدی آمریکا نباید به دنبال عادی‌سازی فوری روابط با آن باشد. رابطه خوب کلینتون با اسرائیل نیز نشانه دیگری بر تفاوت دیدگاه او - اگر نگوییم تناقض - با ایران است.^۱

اکنون، پس از نگاهی به رویکرد سیاسی و اجتماعی موجود بر ترجمه آثار این چهره‌های سیاسی به بررسی و مشاهده تغییرات نمود و زمان دستوری در ترجمه این آثار می‌پردازیم.

۶. تحلیل داده‌های پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی - تحلیلی و اسنادی است. نوع نقد، مقابله‌ای بوده و با الگوگیری از

^۱ <https://www.dw.com>

مدل سه‌وجهی فرحزاد در سطح متنی انجام می‌شود. در روش‌شناسی مدل فرحزاد نوع نقد مقابله‌ای است. در این حالت، ابتدا انتخاب‌های ترجمه‌ای تحلیل می‌شوند. سپس با توجه به مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی مربوط به زمان تولید، متن‌های مبدأ و مقصد از لحاظ ایدئولوژیک تبیین می‌شوند. نقد مقابله‌ای ترجمه در سه سطح انجام می‌شود: متنی (واژگان، دستور و راهکار ترجمه)، پیرامنتی (یادداشت مترجم یا ناشر، مقدمه، مؤخره و پانویس) و نشانه‌ای (تصویرهای روی جلد، صفحه‌آرایی، نوع خط، رنگ آمیزی). ولی در این پژوهش بررسی‌ها فقط در سطح متنی انجام می‌شود. بر پایه دیدگاه فرحزاد، در سطح متنی، جمله‌ها، واژه‌ها، ساخت‌های دستوری، معانی آشکار و پنهان و مانند این‌ها تحلیل می‌شوند. دو متن از جنبه انتخاب‌های واژگانی، دستوری و راهکارهای ترجمانی مقایسه می‌شوند، الگوهای تکرارشونده در متن مقصد شناسایی می‌شوند و تلویحات ایدئولوژیک این انتخاب‌ها با توجه به شرایط اجتماعی، تاریخی و سیاسی بررسی می‌گردند.

در این پژوهش تعداد ۵۴۰۴ فعل در زبان مبدأ (انگلیسی) با ترجمه آن در زبان فارسی مقایسه شدند. یافته‌های زیر از جنبه رابطه بین نمود و تلویحات ایدئولوژیک به دست آمد، این فعل‌ها در جمله‌های پایه و پیرویی آمده‌اند که در فصل‌های مورد بررسی پیکره پژوهش به کار رفته‌اند. انتخاب فصل‌ها کاملاً تصادفی بوده و فصل‌های مورد بررسی از بخش‌های ابتدایی، میانی و پایانی اثر برگزیده شده‌اند. پیکره پژوهش از کتاب‌های زیر انتخاب شد: ۱- فصل‌های ۱، ۲، ۱۰، ۱۱ و ۱۷ از کتاب «Obama, Dreams from my father: a story of race and inheritance» (2004) (با ۱۷ فصل ۴۴۲ صفحه‌ای) و ترجمه آن به وسیله علی مرداد کاکایی با نام «باراک اوباما در رویای پدر» (Obama, 2012)؛ ۲- فصل‌های ۱، ۱۳ و ۲۵ از کتاب «Hard Choices» (Clinton, 2014) (با ۶ بخش حاوی ۲۵ فصل ۵۱۳ صفحه‌ای) و ترجمه امیر قادری با نام «انتخاب‌های سخت» (Clinton, 2015)؛ ۳- فصل‌های ۱، ۸ و ۱۷ از کتاب «Daughter of the East: an autobiography» (Bhutto, 1989) با ۱۷ فصل ۵۵۶ صفحه‌ای) و ترجمه علیرضا عیاری با عنوان «بی‌نظیر بوتو دختر شرق» (Bhutto, 2007).

در توضیح و بررسی تغییرات ایدئولوژیک نمود مواردی از هر سه کتاب به همراه ترجمه آن‌ها ارائه شده‌اند. برای بازنمایی الگویی از آنچه فرحزاد در نقد ترجمه متن بیان می‌کند، موارد و شواهدی از سه کتاب زندگینامه اوباما، کلینتون و بوتو و شرح موارد ایدئولوژیک آن‌ها در زیر ارائه شده‌است:

۶. ۱. تولیحات ایدئولوژیک نمود در کتاب زندگینامه بوتو

در زیر، تغییرات نمود و زمان دستوری افعال در کتاب زندگی‌نامه بوتو مورد توجه قرار گرفته است.

۶. ۱. ۱. تغییر نمود کامل تکمیلی به نمود ناقص تداومی

با توجه به اینکه نمود کامل تکمیلی در زمان‌های دستوری گذشته ساده و ماضی بعید وجود دارد، نمونه‌هایی از این نمود را در زیر می‌بینیم:

11. a) When I refused to support their lies, they put heavy handcuffs on me and told me to raise my arms over my head (Bhutto, 1989, p. 158).

ب) وقتی قبول نمی‌کردم که از دروغ‌هایشان حمایت کنم، دست‌بندهای سنگینی به دستم می‌بستند و می‌گفتند که دست‌هایم را روی سرم بگذارم (Bhutto, 2007, p. 258).

نمود کامل تکمیلی در زمان گذشته ساده به نمود ناقص تداومی در زمان گذشته استمراری تبدیل شده است. مترجم با استفاده از نمود تداومی در زمان گذشته استمراری (قبول نمی‌کردم) برای ترجمه فعل «refused» تلویحاً این اشاره را دارد که گویی این رد کردن‌ها به طور مداوم اتفاق می‌افتاده است (تأکید و استمرار از طریق نمود تداومی: تغییر نمود اشاره به تأکید بر صبوری دوستان بوتو در تحمل شکنجه‌ها دارد).

تغییر این نمود را می‌توان در جمله‌های زیر نیز مشاهده نمود که یک تلویح ایدئولوژیک را به متن افزوده است.

12. a) When I refused they held me by one foot and hung me over the high walls of the prison (Bhutto, 1989, p. 158).

ب) وقتی خودداری می‌کردم مرا از یک پا می‌گرفتند و از دیوارهای بلند زندان آویزان می‌کردند (Bhutto, 2007, p. 259).

«تأکید مترجم بر صبوری دوستان بوتو در تحمل شکنجه‌ها»

13. a) Throughout 1981, amnesty reported, the number of political prisoners being tortured in Pakistan increased dramatically (Bhutto, 1989, p. 160).

ب) سال ۱۹۸۱ سازمان عفو بین‌الملل گزارش کرد تعداد زندانیان سیاسی که در پاکستان شکنجه می‌شوند به شدت رو به افزایش است (Bhutto, 2007, p. 263).

استفاده از نمود تداومی به جای تکمیلی تأکید مترجم بر بیان شکنجه و دستگیری مخالفان را نشان می‌دهد که با توجه به شرایط سیاسی و امنیتی پاکستان به نظر هنوز هم ادامه دارد.

14. a) Millions had cheered when he became the first politician ever to visit the most forlorn and remote villages of Pakistan (Bhutto, 1989, p. 6).

ب) این فریاد شادی میلیون‌ها انسانی بود که به هنگام استقبال از بوتو به عنوان اولین سیاستمداری که تا آن زمان از مخروبه‌ترین و دورافتاده‌ترین روستاهای پاکستان دیدن کرده بود سر می‌دادند (Bhutto, 2007, p. 35).

تغییر نمود از کامل تکمیلی به تداومی تأکید مترجم بر شدت شادی مردم از حضور بوتو (پدر) و علاقه ایشان به وی را برجسته کرده است.

15. a) Our two families had always been compared in terms of politics (Bhutto, 1989, p. 7).

ب) همواره خانواده هر دوی ما (کاتلین کندی و بی‌نظیر بوتو) را از لحاظ خط مشی سیاسی با یکدیگر مقایسه می‌کردند (Bhutto, 2007, p. 36).

تغییر نمود از کامل تکمیلی که نشان از تکمیل عمل در گذشته دارد به ناقص تداومی که به استمرار عمل اشاره می‌کند نیز مبین استمرار این تفکر از سوی مردم است.

16. a) Civil law in Pakistan had effectively ceased to exist (Bhutto, 1989, p. 149).

ب) عملاً قانون مدنی در پاکستان رو به نابودی می‌رفت (Bhutto, 2007, p. 246).
تغییر نمود به این اشاره دارد که قانون مدنی کاملاً از بین رفته بود ولی مترجم با تغییر نمود این شدت را کاهش داده (رو به نابودی می‌رفت).

۶.۱.۲. تغییر نمود ناقص تداومی به نمود کامل نتیجه‌ای

17. a) The reaction in Pakistan was mixed. In spite of my statement, the regime's agents lost no time in spreading rumours that I was giving up politics (Bhutto, 1989, p. 298).

ب) عکس‌العمل‌ها در پاکستان متفاوت بود. علی‌رغم بیانیه‌ام، مأموران حکومتی در گسترش شایعات مبنی بر اینکه من سیاست را کنار گذاشته‌ام وقت را از دست ندادند (Bhutto, 2007, p. 467).

تغییر نمود از ناقص تداومی به کامل نتیجه‌ای اشاره به تداوم عمل در زمان گذشته بر روی محور زمان دارد: «من داشتم سیاست را کنار می‌گذاشتم». با تغییر نمود به کامل نتیجه‌ای این تلویح ایدئولوژیک به وجود می‌آید که عمل در زمان گذشته انجام و اثر و نتیجه‌اش همچنان تا حال باقی است، یعنی مترجم بر اینکه حکومت پاکستان قصد در شایعه‌پراکنی علیه بوتو داشته تأکید بیشتر می‌کند «سیاست را کنار گذاشته‌ام».

18. a) The jail superintendent started a new tactic to demoralize me. "Your party officials are deserting you," he told me (Bhutto, 1989, p. 169).

ب) سرپرست زندان شیوه دیگری برای تضعیف روحیه من به کار گرفت. او گفت مقامات حزبتان پشت شما را خالی کرده‌اند (Bhutto, 2007, p. 275).

تغییر نمود نشان از تأکید مترجم بر این است که حتی مقامات هم حذب بوتو پشت او را مدتی است خالی کرده‌اند.

19. a) The vice-president, Odinga, was a Luo, and he said the government was becoming corrupt (Bhutto, 1989, p. 214).

ب) معاون رئیس جمهور، اودینگا از قبیله «لو» بود و گفت که دولت فاسد شده‌است (Bhutto, 2007, p. 244).

نمود تداومی که اشاره به انجام تدریجی و استمرار عمل دارد (دولت در حال فاسد شدن است) در ترجمه به نمود نتیجه‌ای که اثر و نتیجه عمل را تا حال نشان می‌دهد (فاسد شده‌است) ترجمه شده‌است.

۶. ۱. ۳. تغییر نمود ناقص تداومی به نمود کامل تکمیلی

20. a) Security at Sukkur was being stepped up, he reported, following real news that my brothers were going to try to rescue me following my death sentence (Bhutto, 1989, p. 149).

ب) تدابیر امنیتی در زندان سوکور به دنبال گسترش شایعات مبنی بر اینکه برادرانم در پی صدور حکم اعدام قصد نجات مرا دارند تشکیل شد (Bhutto, 2007, p. 247).

تغییر نمود از تداومی که نشان از استمرار عمل دارد: تدابیر امنیتی در حال تشکیل شدن بود به جمله اصلی به این اشاره دارد که کامل: تدابیر امنیتی مدتی است برقرار شده است، این تلویح ایدئولوژیک در ترجمه را نشان می‌دهد که بر شدت تدابیر امنیتی علیه بوتو تأکید شود.

21. a) While friends and family were gathering inside 70 Clifton, thousands were pressing toward Layari in the center of Karachi (Bhutto, 1989, p. 300).

ب) وقتی دوستان و اعضای خانواده در کلیفتون ۷۰ جمع شده بودند، هزاران نفر به سمت لیاری مرکز کراچی سرازیر شده بودند (Bhutto, 2007, p. 471).

نمود تداومی: مردم در حال جمع شدن بودند به نمود کامل تکمیلی: جمع شده بودند، نشان از تأکید مترجم بر توجه مردم به این خانواده و جمع شدن به دور منزل ایشان از ساعت‌ها قبل دارد.

22. a) What the authorities knew, but I didn't, was that thousands of people were being rounded up all over Pakistan and the biggest sweep ever (Bhutto, 1989, p. 145).

ب) آنچه مقامات می‌دانستند اما من از آن بی‌اطلاع بودم این بود که هزاران نفر در سراسر پاکستان در بزرگترین حرکتی که تاکنون صورت گرفته بازداشت شده بودند (Bhutto, 2007, p. 145).

(p. 241).

نمود تداومی برای نمایش عمل تدریجی «در حال بازداشت بودند» به نمود تکمیلی «بازداشت شده بودند» تغییر یافته که نمایانگر تلویح ایدئولوژیک مترجم در نمایش شدت دستگیری‌ها است.

۶. ۱. ۴. نمود کامل تکمیلی به کامل نتیجه‌ای

23. a) This time, I was to find out shortly, Zia had gone across the boundaries of his past repression and brutality (Bhutto, 1989, p. 145).

ب) نگاهم از ترس روی صورت‌هایشان می‌خکوب شده بود این بار باید می‌فهمیدم که ضیا فراتر از مرزهای قبلی سرکوبی و وحشی‌گری خود رفته‌است (Bhutto, 2007, p. 241).

هر دو رویداد در نقاطی از گذشته بر روی محور زمان روی داده‌اند ولی با این تفاوت که نمود کامل تکمیلی اشاره به عملی دارد که در گذشته کامل شده‌است ولی نمود کامل نتیجه‌ای تا زمان حال ادامه دارد. نویسنده در متن اصلی از زمان ماضی بعید که نشان از این دارد که «ضیا فراتر از مرزهای قبلی خود رفته بود» استفاده کرده ولی مترجم با کاربرد ماضی نقلی این تلویح ایدئولوژیک را نمایش می‌دهد که گویی این وضعیت تا زمان حال باقی است (تأکید مترجم در نمایش استبداد ضیاالحق).

24. a) “Francois Mitterrand has been elected by France to become the first socialist president of post-war France”, I noted in my diary on May 11th. The Anglo-American media had run quiet ferocious anti-Giscard campaign (Bhutto, 1989, p. 165).

ب) فرانسه، فرانسوا میتران را به عنوان اولین رئیس جمهور سوسیالیست بعد از جنگ انتخاب کرده‌است. رسانه‌های آنگلو آمریکایی مبارزه کاملاً بی‌رحمانه‌ای را علیه ژیسکار دستین آغاز کرده‌اند (Bhutto, 2007, p. 270).

تغییر نمود از کامل تکمیلی به کامل نتیجه‌ای نشان می‌دهد عمل و تأثیرات آن تا زمان حال باقی است. نویسنده با کاربرد زمان ماضی بعید به این موضوع اشاره دارد که رسانه‌ها در گذشته دور این مبارزه را آغاز کرده بودند اما مترجم با کاربرد ماضی نقلی از شدت دیدگاه نویسنده در بیان اینکه این مبارزات از قدیم آغاز شده بود کاسته‌است.

۶. ۲. تلویحات ایدئولوژیک نمود در زندگینامه اوباما

در زیر تغییرات نمود و زمان دستوری فعل‌ها در کتاب زندگینامه اوباما مورد توجه قرار گرفته‌است.

۶.۲.۱. تغییر نمود کامل تکمیلی به کامل نتیجه‌ای

25. a) I would realize that the position of most black students in predominantly white colleges was already too tenuous..... (Obama, 2004, 193).

ب) بعدها به این باور رسیدم که موقعیت اغلب دانشجویان سیاه‌پوست در دانشگاه‌های سفیدپوست‌ها بسیار ضعیف بوده‌است (Obama, 2014, p. 221).

تغییر نمود کامل تکمیلی در زمان گذشته ساده «was» به نمود کامل نتیجه‌ای بیانگر آن است که امری که در گذشته تمام شده با تغییر نمود تا زمان حال ادامه پیدا می‌کند. مترجم این تلویح ایدئولوژیک را در متن ایجاد کرده که گویی هنوز هم وضعیت دانشگاه‌های سفیدپوستان برای سیاه‌پوستان نامناسب است.

26. a) Just talk. Yet what concerned me wasn't just the damage loose talk caused efforts at coalition building, or the emotional pain it caused others. It was the distance between our talk and our action, the effect it was having on us as individuals and as a people (Obama, 2014, p. 203).

ب) فقط حرف می‌زنند. آنچه مرا نگران کرده‌است، تنها گفت‌وگوی آزادانه مضر که در ساختمان‌های دولت ائتلافی ارائه می‌شود یا دردمندی احساسی که در دیگران باعث می‌شود، نیست. این فاصله بین حرف و عمل ماست و تأثیرش روی ما، تک تک افراد و مردم می‌باشد (Obama, 2014, p. 232).

چهار فعل زمان گذشته ساده «concerned-wasn't-caused-caused-was» در متن وجود دارند که به ترتیب به زمان ماضی نقلی و مضارع اخباری ترجمه شده‌اند. نویسنده نگرانی‌هایش در گذشته را بیان می‌کند و وضعیت گفت‌وگوها در ساختمان دولت ائتلافی در گذشته را بیان می‌کند و فاصله بین حرف و عمل جامعه سیاه که بر روی تک تک آن‌ها تأثیراتی برجای گذاشت اما در ترجمه این تلویح ایدئولوژیک را در پی دارد که همه این نگرانی‌ها مربوط به زمان حال است و یا حداقل تا زمان حال ادامه دارد. (به نظر می‌رسد مترجم قضاوت خود از اوضاع موجود در جامعه سیاه‌پوستان را نیز در ترجمه وارد کرده‌است.) هم جابه‌جایی نقطه عمل بر روی محور زمان تغییر کرده‌است و هم با تغییر نمود تکمیل و تداوم آن تغییر کرده‌است.

27. a) What I doubted was that all the talk about self-esteem could serve as the centerpiece of an effective black politics (Obama, 2004, 194).

ب) آنچه مرا به شک انداخته این است که همه گفت‌وگوها درباره عزت‌نفس، اصل سیاست‌های تأثیرگذار سیاه‌ها را تشکیل می‌دهند (Obama, 2014, p. 222).

تغییر نمود تکمیلی به نتیجه‌ای مبین این امر است که این شک تاکنون ادامه دارد. مترجم تجربیات و نظرات شخصی خود را وارد ترجمه کرده‌است.

28. a) Ever since the first time I'd picked up Malcolm X's autobiography, I had tried to untangle the twin strands of black nationalism, aruing that nationalism's affirming message-of solidarity and self-reliance, discipline and communal responsibility- need not depend on hatred of whites... (Obama, 2004, 197).

ب) از وقتی که اولین بار کتاب زندگی نامهٔ ملکولم را خواندم، سعی کرده‌ام گره‌های مشابه در سر راه ناسیونالیسم سیاه‌ها را باز کنم، پیام تأییدکنندهٔ ناسیونالیسم را به خود بقبولانم - پیام اتحاد و اعتماد به نفس، مقررات و پاسخگویی فرقه‌ای - که اصلاً به تنفر از سفیدها یا بخشندگی آن‌ها ربط ندارد (Obama, 2014, p. 226).

تغییر نمود از تکمیلی به نتیجه‌ای مبین این امر است که با جابه‌جایی جایگاه فعل بر روی محور زمان، اثر و نتیجهٔ فعل نیز تا حال ادامه دارد (تلویح مترجم در بیان این امر که هنوز نویسنده سعی در بازکردن گره‌های این مسیر دارد).

29. a) My mother had warned me about bigots-they were ignorant, uneducated people one should avoid (Obama, 2004, 51).

ب) مادرم همیشه در مورد انسان‌های متعصب نگران من بوده‌است: «آن‌ها انسان‌های بدون تعلیم و تربیت و جاهلی هستند که هرکس باید از آن‌ها دوری کند» (Obama, 2014, p. 72).

تغییر نمود کامل تکمیلی که مربوط به عملی در گذشته است به نمود نتیجه‌ای تغییر کرده‌است که اثر و نتیجهٔ فعل را تاکنون بیان می‌کند (تأکید مترجم بر نمایش روابط خانوادگی او با ما).

30. a) Yes, I'd seen weakness in other men- Gramps and his disappointments, Lolo and his comporomise (Obama, 2004, 220).

ب) بله، من ضعف را در دیگران دیده‌ام - گرامپس و ناامیدی‌اش، لولو و سازش و مسأله‌اش (Obama, 2014, p. 250).

فعل ماضی بعید «had seen» به ماضی نقلی (دیده‌ام) ترجمه شده‌است. نویسنده قصد بیان امری در گذشتهٔ دور را دارد (من ضعف را در دیگران دیده بودم، نمود نیز کامل تکمیلی و مبین همین امر است) ولی مترجم وقوع آن را تا زمان حال ادامه می‌دهد (نمود نتیجه‌ای). به نظر می‌رسد مترجم قضاوت شخصی خود را وارد ترجمه کرده‌است.

۶.۲.۲. نمود ناقص تداومی به نمود کامل نتیجه‌ای

31. a) The vice-president, Odinga, was a Luo, and he said the government was becoming corrupt (Obama, 2004, 214).

ب) معاون رئیس جمهور، اودینگا از قبیله «لو» بود و گفت که دولت فاسد شده است
(Obama, 2014, p. 244).

نویسنده با تغییر زمان و به تبع آن تغییر نمود قصد بیان این امر را دارد دولت در حال فاسد شدن بود ولی مترجم تلویح ایدئولوژیک خود را در ترجمه متن به کار برده و دولت را فاسد اعلام کرده است.

۶.۲.۳. نمود ناقص تداومی به نمود کامل تکمیلی

32. a) They spend half their lives worrying about what white folks think (Obama, 2004, 197).

ب) آن‌ها نیمی از زندگی‌شان را با این نگرانی که سفیدها در موردشان چه فکری می‌کنند، گذرانند (Obama, 2014, p. 225).

با تغییر نمود از ناقص تداومی به کامل تکمیلی مترجم قصد اصلی نویسنده در بیان دیدگاه همیشگی سیاه‌پوست‌ها نسبت به سفیدپوستان را محدود به زمان کوتاهی در گذشته کرده است.

۶.۲.۴. نمود کامل نتیجه‌ای به کامل تکمیلی

33. a) In fact, how and when the marriage occurred remains a bit murky, a bill of particulars that I've never quite had the courage to explore (Obama, 2004, 22).

ب) در واقع چگونگی و زمان ازدواج مادرم کمی مبهم است و من هم شهادت لازم برای تحقیق در مورد آن را نداشتم (Obama, 2014, p. 40).

نمود کامل نتیجه‌ای در زمان ماضی نقلی «I've had» به نمود کامل تکمیلی در گذشته ساده (نداشتم) ترجمه شده است. مترجم با بهره‌گیری از نمود کامل تکمیلی رویدادی را به گذشته واگذار کرده است که همچنان ادامه دارد.

۶.۳. تلویحات ایدئولوژیک نمود در زندگینامه کلینتون

در زیر، تغییرات نمود و زمان دستوری افعال در کتاب زندگی‌نامه کلینتون مورد توجه قرار گرفته است.

۶.۳.۱. نمود کامل تکمیلی به نمود ناقص تداومی

34. a) Lieberman viewed negotiating concessions as a sign of weakness and had_a long history of opposition to the Oslo peace process. baby and lieberman also believed that iran's nuclear program was_a bigger and

more urgent threat to Israel's long-term security than the Palestinian conflict (Clinton, 2014, p. 121).

ب) لیبرمن اعطای امتیاز از طریق مذاکره را نشان ضعف می‌داند و سابقه مخالفت‌اش با فرایند صلح به پیمان اسلو باز می‌گردد. لیبرمن و نتانیاهو همچنین اعتقاد دارند که برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی خطرناک و اورژانسی‌تر از بحران امنیتی و قدیمی فلسطینی هاست (Clinton, 2015, p. 264).

نمود کامل تکمیلی به نمود ناقص تداومی تبدیل شده، مترجم به طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد کرده که لیبرمن (رئیس حزب اسرائیلی بیتنا هنوز اعطای امتیاز از طریق مذاکره با فلسطینی‌ها را نشان از ضعف می‌داند و معتقد است که برنامه هسته‌ای ایران نیز تهدیدی برای منطقه است (در حالی که منظور نویسنده با استفاده از نمود کامل تکمیلی بیان حادثه‌ای در گذشته است). به نظر می‌رسد مترجم با تلویح ایدئولوژیک خود سابقه تاریخی این رابطه را برای آینده نیز پیش‌بینی کرده و مفهوم جدیدی به متن اضافه نموده است.

35. a) The mistreatment of women was certainly not the only or even the chief cause of our problems in Afghanistan, where the Taliban banished girls from school and forced women to live in medieval conditions, or in Central Africa, where rape became a common weapon of war (Clinton, 2014, p. 207).

ب) قطعاً بدرفتاری با زنان تنها یا دلیل عمده مشکلات ما در افغانستان نبود جایی که طالبان دختران را از مدرسه رفتن باز می‌دارد و زنان را وادار می‌کنند در شرایط قرون وسطی زندگی کنند یا در آفریقای مرکزی جایی که تجاوز به یک سلاح مشترک جنگی تبدیل شد (Clinton, 2015, p. 495).

با تغییر نمود از کامل تکمیلی به تداومی، مترجم به‌طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد کرده که هنوز وضعیت در افغانستان به گونه‌ای است که دختران را از مدرسه رفتن باز می‌دارند و ادارشان می‌کنند که در شرایط قرون وسطی زندگی کنند (در حالی که منظور نویسنده بیان حادثه‌ای در گذشته را نشان می‌دهد)، مترجم با این عمل تلویح ایدئولوژیکی و مفهوم جدیدی به متن اضافه نموده است.

36. a) I was proud to stand with President Obama at the White House when he declared that the United States would sign the United Nations Convention on the Rights of persons with disabilities.....(Clinton, 2014, p. 206).

ب) افتخار می‌کنم زمانی که او با ما اعلام کرد ایالات متحده آمریکا کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق انسان‌های معلول را امضا می‌کند در کاخ سفید کنار او ایستاده بودم..... (Clinton, 2015, p. 493).

با تغییر نمود از کامل تکمیلی به تداومی، مترجم به‌طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد

کرده که کلیتون هنوز به آن لحظه در کنار او با ما افتخار می‌کند (در حالی که منظور نویسنده بیان رویدادی در گذشته است).

37. a) I hoped that one day the constituencies for peace among both peoples would grow so strong and loud that their leaders would be forced to compromise. In my head I heard the deep and steady voice of my slain friend Yitzhak Robi: "The coldest peace is better than the warmest war" (Clinton, 2014, p. 128).

(ب) امیدوارم روزی برسد که ستاد صلح در میان هر دو ملت به قدری قوی و رسا باشد که رهبران را مجبور به مصالحه کند. در سرم صدای دوست مقتولم اسحاق رابین را بلند و دائم می‌شنوم که می‌گفت: «سردترین صلح، بهتر از گرم‌ترین جنگ است.» (Clinton, 2015, p. 283).

با تغییر نمود از کامل تکمیلی (در زمان گذشته) به تداومی (مضارع اخباری)، مترجم به طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد کرده که کلیتون هنوز به برقراری صلح در منطقه امیدوار است (در حالی که منظور نویسنده بیان رویدادی در گذشته است). مترجم در حال بازگویی نظر کنونی کلیتون نسبت به وضعیت منطقه و نیز حمایت و تصدیق وی از سیاست‌های اسرائیل است، با این عمل، مترجم مفهوم جدیدی به متن اضافه نموده است.

38. a) For years some Muslim-majority nations at the Council had pushed resolutions opposed by the United States and others that would have threatened freedom of expression in the name of preventing "defamation" of religion (Clinton, 2014, p. 121).

(ب) سال‌ها برخی از کشورهای مسلمان در شورا قطعنامه‌هایی را در مخالفت با ایالات متحده آمریکا و دیگران تحمیل می‌کردند که آزادی بیان را به نام جلوگیری از هتک حرمت مذهب تهدید می‌کرد (Clinton, 2015, p. 505).

تغییر زمان دستوری از ماضی بعید با نمود کامل تکمیلی به گذشته استمراری با نمود تداومی، نشان از تأکید مترجم و موضع ایدئولوژیکی وی در بیان استمرار و موضع مسلمانان نسبت به این قضیه دارد.

۶.۳.۲. نمود کامل تکمیلی به کامل نتیجه‌ای

39. a) Despite our policy differences Netanyahu and I worked together as partners and friends (Clinton, 2014, p. 121).

(ب) با وجود اختلافات سیاسی نتانیاهو و من به‌عنوان شریک و دوست با هم کار کرده‌ایم (Clinton, 2015, p. 263).

با تغییر نمود از تکمیلی به نتیجه‌ای، مترجم به‌طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد کرده که

کلینتون از سال‌ها قبل با نتانیاهو به‌عنوان شریک و دوست کار کرده‌است و هنوز نیز این رابطه ادامه دارد (تأکید مترجم بر رابطه دوستانه کلینتون و اسرائیل)

40. a) For years, under both Democratic and Republican administrations, the United States had been committed to helping Israel maintain a “qualitative military edge” over every competitor in the region (Clinton, 2014, p. 120).

ب) طی سال‌ها چه در دولت‌های جمهوری خواه و چه در دولت‌های دموکرات، ایالات متحده خود را متعهد دانسته تا به اسرائیل در بالا نگه داشتن توان نظامی خود از نظر کیفی نسبت به تمام رقبای موجود در منطقه کمک کند (Clinton, 2015, p. 261).

به کمک نمود کامل نتیجه‌ای مترجم به‌طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد کرده که آمریکا از سال‌ها قبل تاکنون متعهد به تقویت نظامی اسرائیل بوده‌است.

۶.۳.۳. نمود ناقص تداومی به کامل تکمیلی

41. a) The candor of our conversation was reassuring and reinforced my resolve to support him (Clinton, 2014, p. 16).

ب) صراحت و صداقتی که در صحبت‌ها مان وجود داشت مرا مطمئن و قانع کرد که به او (اوباما) کمک کنم (Clinton, 2015, p. 22).

با تغییر نمود تداومی به کامل تکمیلی، مترجم مجدداً بر تصدیق سیاست‌های اوباما توسط کلینتون تأکید نموده‌است.

42. a) I oversee eight doctors for a region with a population of half a million...we never have enough supplies- at least half of what the government purchases ends up on the black market (Clinton, 2014, p. 354).

ب) ... دیدم برای یک ناحیه با نیم میلیون نفر جمعیت هشت دکتر وجود دارد. ما هیچ وقت ضروریات کافی نداشتیم. حداقل نیمی از آنچه که دولت تهیه می‌کرد، سر از سوپرمارکت‌ها در می‌آورد (Clinton, 2015, p. 392).

چهار فعل زمان حال ساده در متن اصلی «oversea-have-purchases-ends up» دیده می‌شوند که دو فعل به زمان گذشته ساده ترجمه شده‌اند (دیدم - نداشتیم) با تغییر نمود تداومی به تکمیلی مترجم با استفاده از زمان گذشته این نیاز را به زمان گذشته منتقل کرده‌است (هم جابه‌جایی عمل بر روی محور زمان و هم تغییر نمود از تداومی به تکمیلی). در تبدیل زمان حال ساده به زمان گذشته استمراری، دوباره مترجم زمان انجام عمل را بر روی محور زمان به عقب کشیده‌است (نادیده گرفتن مشکلات همیشگی آفریقا).

۶. ۳. ۴. نمود ترکیبی به کامل تکمیلی

43. a) I'd been grappling for years with the challenges facing the United States around the world, as both first lady and senator (Clinton, 2014, p. 20).

ب) من سال‌ها مواجه با چالش‌های فراوانی در داخل و خارج از ایالات متحده چه به عنوان بانوی اول و چه به عنوان نماینده سنا بودم (Clinton, 2015, p. 33).

نمود ترکیبی در زمان ماضی بعید استمراری به نمود کامل تکمیلی در گذشته ساده یعنی (مواجهه بودم) ترجمه شده، زمان ماضی بعید استمراری با نمود ترکیبی آن که شامل نمود کامل و ناقص هر دوست اشاره به انجام امری دارد که در گذشته تمام و کامل شده است ولی مدتی هم در همان گذشته طول کشیده است. مترجم به طور تلویحی این ایدئولوژی را در متن وارد کرده که کلینتون سال‌ها قبل برای مدت‌ها با چالش‌های داخل و خارج از ایالات متحده مواجه بوده است (اشاره نویسنده به استمرار و دوام چالش‌های وی در گذشته و همچنین تجربه و لیاقت وی در حل این چالش‌ها). در این جمله با توجه به زمان انتخاب شده، تغییر نمود به کامل تکمیلی تأکید مترجم بر اتمام عمل در گذشته را نشان می‌دهد.

۷. نتیجه پژوهش

در ترجمه یک زمان دستوری به زمان دستوری دیگر می‌بینیم که بین زمان‌ها تطابق یک به یک وجود ندارد. در این پژوهش، با یک نقد مقابله‌ای هم زمان دستوری و هم نمود فعلی مورد بررسی قرار گرفت. در زبان‌شناسی مقابله‌ای با هدف ترجمه به این نتیجه می‌رسیم که زمان و نمود در هم تنیده می‌شوند و گاهی در ترجمه فقط زمان دستوری و گاهی نمود ترجمه می‌شود و گاهی این پدیده در هم تنیده ترکیبی زمان و نمود ترجمه می‌شود. از سویی، به این توجه شد که این امر چرا باید ارزش ایدئولوژیک داشته باشد، چون هرگاه تقابل یک به یک زمان‌ها به هم می‌ریزد که در بسیاری از نمونه‌های مورد مطالعه در ترجمه چنین امری رخ می‌دهد یعنی موقعیت رویداد^۱ و موقعیت اتفاق کنش و فعل تغییر می‌کند، در واقع آنچه تغییر می‌کند، واقعیت^۲ است که تغییر می‌کند یعنی با تغییر هر یک از رویدادها ما با یک واقعیت تغییر یافته روبرو می‌شویم و بنابراین ممکن است متن مبدأ با زمان و نمودهای خودش یک واقعیت را نشان دهد و متن مقصد با تغییرات آن زمان‌ها و نمودها یک واقعیت دیگر را نشان دهد.^۳

^۱ state of affairs

^۲ reality

^۳ فرحزاد معتقد است ممکن است زمان خطی عمل کند ولی رابطه زمان و نمود خطی نیست و مارپیچی (spinal) است.

در جامعه‌ای همچون ایران، مترجم آگاهانه یا ناآگاهانه در این راستا قرار می‌گیرد که با انتخاب‌های ترجمه‌ای خود چه از دیدگاه خرد یعنی در انتخاب واژگان و دستور و چه از دیدگاه کلان‌تر یعنی بازنمایی رویدادها از منظر گفتمانی و اجتماعی در یک محیط بینامتنی و گفتمانی قرار گیرد. بنابراین، مترجم از یک سو به بازنمایی رویدادها در متن پیشین پرداخته و از سوی دیگر بازنمایی‌ها را به رویدادهای دیگر جامعه مقصد پیوند می‌زند، این همان تکرار گفتمانی از طریق بینامتنیت است. در این تکرارهای گفتمانی، گاه ترجمه دچار تغییرات و تلویحات ایدئولوژیک می‌شود که منطبق با نیاز جامعه مقصد یا حاصل فشار قدرت حاکم بر جامعه است، بررسی این گفتمان‌ها و تغییرات برآمده می‌تواند اطلاعاتی را از محیط‌های گفتمانی مختلف ارائه نماید. بنابراین مترجم یک عامل اجتماعی است که در ترجمه، یک جایگاه ایدئولوژیک کسب می‌کند؛ این جایگاه ایدئولوژیک که متأثر از ایدئولوژی‌ها و قدرت حاکم بر جامعه است، بر ترجمه به عنوان روند و فرآورده، تأثیر بسزایی دارد. به بیان دیگر، به جز مفهوم امانت‌داری، مفاهیم دیگری چون ایدئولوژی و قدرت نیز بر ترجمه اثر گذارند. مترجم در مسیر یک رویداد اجتماعی همچون ترجمه، فعالیت‌های اجتماعی، حوادث و موقعیت‌های مختلف اجتماع خود را در نظام و ساختار اجتماعی خاص آن بازنمایی می‌کند. تلویحات ایدئولوژیک حاصل از تغییر نمود در کلیه آثار ترجمه‌شده در تلاش برای نشان دادن چهره محبوب یا غیر محبوبی از فرد است. بنابراین، به باور نگارنده ممکن است یافته‌های به‌دست آمده از فراوانی چندان‌ی برخوردار نباشند، اما به نظر می‌رسد که دیدگاه‌های متفاوتی از این افراد در جامعه فارسی‌زبان ترسیم شده که می‌تواند از جنبه فراهم آوردن تصویری متفاوت از بعضی زوایای زندگی سیاسی، شخصیتی و رفتاری ایشان بسیار مهم باشد.

یافته‌های این پژوهش را می‌توان در خدمت بومی‌سازی مفاهیم نظری مربوط به تحلیل انتقادی گفتمان و نیز آگاه ساختن مترجمان به اهمیت بار ایدئولوژیک انتخاب‌های دستوری در بحث نمود به کار گرفت. بنابراین، با تکیه بر این مدل ضمن توجه به تغییرات دستوری در ترجمه، علت و نقش این تغییرات به ویژه در زمینه زمان و نمود فعل در متن پسین از جنبه انتقال ایدئولوژی مبدأ یا کسب مواضع ایدئولوژیک مستقل از متن پیشین مورد توجه قرار خواهند گرفت. تاکنون پژوهشی در ارتباط با تغییرات نمود و مناسبات ایدئولوژیک به‌دست آمده از آن بین زبان مبدأ و مقصد انجام نشده است. از سویی، در این پژوهش در تلاش هستیم که یک رابطه نظام مند بین تغییرات نمود و نتایج برآمده از این تغییرات در مناسبات ایدئولوژیک به دست آوریم.

فهرست منابع

- اوباما، باراک (۱۳۹۱). *در روایای پدر*. مترجم علی مراد کاکائی. تهران: نشر آزاد مهر.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی تحلیلی گفتمان و کاربردشناسی*. تهران: نشر علمی.
- بوتو، بی نظیر (۱۳۸۷). *بی نظیر بوتو دختر شرق*. ترجمه علیرضا عیاری. ج ۳. تهران: نشر مؤسسه اطلاعات سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش». *علوم سیاسی*. سال ۷. شماره ۲۸. صص ۱۵۳-۱۸۰.
- فرحزاد، فرزانه (۱۳۸۳). «بینامتنیت در ترجمه». *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*. شماره ۶. صص ۲۴۸-۲۴۳.
- فرحزاد، فرزانه (۱۳۹۰). «نقد ترجمه: مدلی سه وجهی بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی». *مطالعات ترجمه*. سال ۹. شماره ۳۶. صص ۴۸-۳۰.
- فرحزاد، فرزانه و افسانه محمدی شاهرخ (۱۳۹۴). *فرهنگ جامع مطالعات ترجمه*. تهران: نشر علمی.
- فر کلاف، نورمن (۱۳۷۹) «*تحلیل گفتمان انتقادی*». ترجمه محمود نیستانی، شعبان علی بهرام پور، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، فاطمه شایسته پیران، محمدجواد غلامرضا کاشی و رضا ذوقدارمقدم. ج ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷). «راهبرد اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران». *انسان پژوهی دینی*. شماره ۱۷. صص ۱۴۹-۱۲۳.
- کلینتون، هیلاری (۱۳۹۴). *انتخاب‌های سخت*. ترجمه امیر قادری. تهران: نشر میلکان.
- گلفام، ارسلان (۱۳۹۳). *اصول دستور زبان*. ج ۶. تهران: انتشارات سمت.
- میرشجاعی، آناهیتا و محمدحسین قریشی (۱۳۹۵). «بررسی نشانه‌ای-فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه (بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی) مطالعه موردی: پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی». *زبان پژوهی*. سال ۸. شماره ۱۹. صص ۷-۳۲.

References

- Aghagolzadeh, F. (2013). *Descriptive and Analytical Dictionary of Discourse and Pragmatics*. Tehran: Elmi [In Persian]
- Bhutto, B. (1989). *Daughter of destiny* (1st ed). New York: Simon & Schuster.
- Bhutto, B. (2007). *Daughter of destiny*. (A. Ayari, Trans.), Tehran: Moaseseh Etelaat [In Persian].
- Binnick, R. I. (1991). *Time and the verb: a guide to tense and aspect*. New York and Oxford: Oxford University Press
- Calzada-Pérez. M. (2003). *Apropos of Ideology. Translation Studies on Ideology-ideologies in Translation Studies*. Uk: Routledge
- Clinton R., H. (2014). *Hard Choices*. UK: Simon and Schuster
- Clinton R., H. (2015). *Hard Choices*. (Amir Ghaderi, Trans). Tehran: Milikan [In Persian]
- Comrie, B. (1985). *Tense*. Cambridge: Cambridge University Press

- Dahl, O. (1985). *Tense and Aspect Systems*. USA: Blackwell Ltd.
- Fairclough, N. (2000). *Critical Discourse Analysis*. (M. Neyestni., Sh. A. Bahram Pour., R. Karimian., P. Izadi, F. Shayeste Piran, M. J. Gholamreza Kashi., R. Zolghadar Moghadam, Trans.). Tehran: The center for Studies and researches of Media [In Persian]
- Farahzad, F. (2004). Intertextuality. *An articles series of AllemeH Tabatabaei University*. 6, 243-248 [In Persian]
- Farahzad, F. (2012). Translation Criticism: a three-dimensional model based on CDA. *Quarterly of Translation Studies*, 36(9), 30-48 [In Persian]
- Farahzad, F. (2015). *A comprehensive Dictionary of Translation Studies*. Tehran: Elmi [In Persian]
- Ghasemi, M. (2008). Obama strategies toward Islamic Republic of Iran. *Religious Human Researches Quarterly*, 17, 123-149 [In Persian]
- Golfam, A. (2014). *Principles of grammar*. (6nd ed). Tehran: SAMT [In Persian]
- Hodge, R., & Gunther Kress, G. (1993). *Language as ideology* (2nd ed.) London: Routledge
- Mirshojaee, A., & Ghoreishi, M. H. (2016). A cultural and semiological study and ideology shift in translation (based on CDA). a case study: Old man and the sea, by Ernest Hemingway. *Quarterly of Iranian Journal of Language Research*. 19 (8), 7-32 [In Persian]
- Obama, B. (2004). *Dreams from my father: a story of race and inheritance*. Bedfordview: Crown Publication.
- Obama, B. (2012). *Dreams from my father*. (A. M. Kakaee, Trans.), Tehran: Azad Mehr [In Persian].
- Sankoff, G. (1973). Above and beyond phonology in variable rules. In Charles-James N. Bailey & Roger Shuy (eds.), *New Ways of Analyzing Variation in English* (pp. 44-61). Washington, Dc: Georgetown University Press.
- Schaffner, C. (2004). Political Discourse Analysis from the point of view of Translation Studies. *Journal of Language and Politics*. 3 (1), 117 - 150
- Smith, C.S. (1997). Situation Aspect. In C. S. Smith (eds.), *The Parameter of Aspect. Studies in Linguistics and Philosophy* (vol 43, pp. 17-37). Berlin: Springer. https://doi.org/10.1007/978-94-011-5606-6_2.
- Soltani, A. (2004). Discourse Analysis as theory and method. *Political science journal*, 28(7), 153-180 [In Persian]
- van Dijk, T. A. (1993). Principles of Critical Discourse Analysis. *Discourse & Society*. 4(2), 249-283
- Widdowson, H. G. (2004). *Text, context, and pretext: Critical issues in discourse analysis*. Oxford: Blackwell

وبگاهها

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/>

<https://www.dw.com>

